

## نیازسنجی اطلاعات

• دکتر مهردادخت وزیرپور

مشمول برشش فصل و دو پیوست است. فصل اول (در نه صفحه)، شامل تعریف‌های نیاز و دیدگاه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی درباره نیاز به همراه سه نمودار است. در فصل دوم (در سیزده صفحه)، نیازسنجی مورد بحث قرار گرفته و ضرورت انگیزه‌ها، کاربردها، موانع نیاز و روش‌شناسی نیازسنجی، راهبردهای آن و نحوه اجرای پروژه نیازسنجی بیان شده است.

فصل سوم (در پنجاه صفحه)، درباره نیاز اطلاعاتی است که تعریف‌ها، کاربردها، اهداف، ویژگی‌ها، دیدگاه‌های کمی و کیفی و عوامل مؤثر در آن مورد بحث قرار گرفته است. این فصل دارای یک جدول و یک نمودار است.

فصل چهارم (۱۲ صفحه)، مراحل برنامه‌ریزی در ده گام: ایجاد ماتریس با یک جدول، تعیین عوامل، تعیین هدف‌ها، زمان‌بندی و ارزیابی فرایند اطلاعات شرح داده شده است.

فصل پنجم، روش‌شناسی مطالعه نیاز اطلاعاتی در دو بخش و ۴۷ صفحه و دو جدول است.

فصل ششم، مدل‌سازی نیازهای اطلاعاتی در مقایسه ملی، مدل‌های مطالعه نیاز اطلاعاتی ضروری، کاربران و نیازسنجی اطلاعات سازمان‌ها به همراه نمودارها و جدول‌های لازم به جهت یافتن راهی برای ساده کردن عملیاتی که در یک فرآیند انجام می‌گیرد، بیان شده است.

در پایان هر فصل منابع مورد استفاده آن فصل ذکر شده است: سپس، پیوست یک درباره تعاریف و مفاهیم مدل و مدل‌سازی، و پیوست دو نمونه‌هایی از موضوعات مطالعه درباره نیازهای اطلاعاتی و ۱۳ نمودار شامل است.

پایان بخش کتاب معرفی چند منبع اینترنتی برای مطالعه بیشتر است.

\*\*\*



• محمود بابایی. نیازسنجی اطلاعات، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم: ۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، وزیرپور، شومیز.

کتاب نیازسنجی اطلاعات برای نخستین بار توسط مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است. در سده بیست و یکم، هدف خدمات کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با استفاده از فناوری‌های نوین، برآوردن نیاز استفاده‌کننده و کاربرد مدارک است. در پیشگفتار و کتاب، نویسنده محترم می‌نویسد: «نیازسنجی ابزاری است برای ایجاد رضایت‌مندی برای کاربرد اطلاع‌رسان».

آنچه در پیش‌رو دارید حاصل تلاشی است که برای تبیین جایگاه نیازسنجی در فرآیند اطلاع‌رسانی بعمل آمده است. کتاب

## نیازسنجی ابزاری است برای ایجاد رضایت‌مندی برای کاربرد اطلاع‌رسان

در فصل اول از صفحه ۳ الی ۹ سه نمودار وجود دارد با شماره‌های ۱-۱۱ الی ۳-۱، در فصل سوم ناگهان در صفحه ۴۵ جدولی با شماره ۱-۲ آمده است که در بدو امر خواننده به دنبال جدول‌های قبلی می‌گردد.

در همین فصل در صفحه ۶۷ در جمع‌بندی نیاز اطلاعاتی، نویسنده می‌نویسد: «در مواردی فوریت و سرعت پاسخگویی به نیاز مهم است و در مواردی دیگر اعتبار منابع و نوع اطلاعات». در حال حاضر با توجه به کاربرد فناوری اطلاعات، این دو مورد از هم جدا نیست.

فصل چهارم: در برنامه‌ریزی نیازسنجی اطلاعات موارد ده‌گانه مفید و مناسب است، اما می‌توانست کوتاه‌تر و گویاتر باشد.

فصل پنجم: روش‌شناسی نیازسنجی خود یک بحث مفصل روش‌شناسی تحقیق در نیازسنجی است با یک جدول گویا.

فصل ششم: گاه واژه‌های انتخابی یکدست نیست (مانند ص ۱۶۳ که موضوع‌ها و موضوعات هر دو بکار رفته)، نمودارها برای مدل‌های نیازسنجی اطلاعات با ارزش و مفید است. چنان که ویراستار محترم جدول‌های ۱ الی ۶ را منسجم‌تر و با صفحات کمتر ارائه می‌داد بهتر بود. در صفحه ۱۵۸ در بخش چند رسانه‌ای‌ها، مطالب بیش از این می‌تواند باشد. بخش سنجش نیازهای اطلاعاتی کاربران ص ۱۵۶ الی ۱۵۸، در صفحه ۱۵۷ و ۱۵۸، مطالعه منابع اطلاعاتی نیاز به بازنگری توسط نویسنده محترم در جهت کاهش بعضی موارد و افزایش مواردی دیگر چون رسانه‌ها و... دارد. با وجود نکات کوچکی که این‌جانب یادآور شدم، مطالب این کتاب منسجم و نویسنده محترم زحمات زیادی کشیده‌اند و منبع مفیدی برای اطلاع‌رسانان، پژوهشگران و دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقطع کارشناسی ارشد است.

با وجود انسجام و تنظیم خوب مطالب کتاب توسط نویسنده محترم، که در حال حاضر یکی از اطلاع‌رسانان آگاه می‌باشند، نکاتی چند یادآور می‌گردد:

چاپ اول کتاب سال ۱۳۷۸ بوده است، اگر به جای چاپ دوم سال ۱۳۸۲، توسط نویسنده و ویراستار محترم ویرایش و تجدیدنظر می‌شد و مطالب کتاب پس از چهار سال برای روزآمد شدن، با استفاده از منابع لاتین جدید اطلاعاتی، بازنگری انجام می‌گردید کاستی‌های کوچک زیر برطرف می‌شد:

موضوع‌های داده‌شده در فهرست نویسی پیش از انتشار کتاب با محتوای کتاب کاملاً همخوانی ندارد، مثلاً موضوع ذخیره و بازیابی اطلاعات! منابع مورد استفاده مطالب فراتر از سال ۱۹۹۷ میلادی نیست، در حالی که چاپ دوم مربوط به سال ۲۰۰۳ می‌باشد و مبحث نیازسنجی اطلاعات پس از سال ۱۹۹۶ بسیار گسترده‌تر و جامع‌تر بوده است. در مقدمه چاپ جدید یک منبع سال ۲۰۰۱ دیده می‌شود و در پایان کتاب منابع اینترنتی جدید برای مطالعه بیشتر پیشنهاد شده است.

در مقدمه، در صفحه «ب» نویسنده محترم در مبحث پی بردن به نیاز واقعی اطلاعات و کاربرد اطلاعات می‌نویسد: «این نکته اراده‌پایدار اطلاع‌رسانان و کتابداران را می‌طلبید. [که همه کس با این نظر موافق است]، ولی وی اضافه می‌کند که در این عرضه به ایفای نقش فراموش شده خویش بپردازند. نمی‌دانم چگونه نویسنده محترم با این صراحت این نقش را برای تمامی کتابداران و اطلاع‌رسانان فراموش شده می‌پندارند؟

نکته پایانی مقدمه نیز بهتر بود عمیق‌تر مورد بحث قرار گیرد، زیرا نویسنده محترم می‌نویسد: «نظام‌های اطلاعاتی کشورهای پیشرفته در خدمت منافع خودشان است [که همه با این نظر موافق هستند]، بعد اضافه می‌کنند: «ما ناگزیر از انتخابی دیگر هستیم». پیشنهاد ایشان چیست؟ راه‌حل‌های پیشنهادیشان کدام است. در حالی که اغلب مطالب کتاب برگرفته از منابع لاتین است، آیا ما در ایران چه باید بکنیم؟

مطالب کتاب دارای جدول‌ها و نمودارهای قابل استفاده و ارزشمندی است که متأسفانه فهرستی از آن‌ها در شروع کتاب نیامده است، در حالی که در کتابی با موضوع نیازسنجی اطلاعات بایستی تمام نکات هسته‌ای و موردی اطلاع‌رسانی شود و در پیشگفتار یا مقدمه کتاب نیز درباره نمودارها و جدول‌ها و کاربردشان توضیحی داده نشده است.